



معادله نامتوازن سود تولیدکنندگان و توان خرید مصرف‌کنندگان

مواد پروتئینی

دام روی دست دامدار مانده، گوشت پست ویتترین قصابی

گروه اقتصادی-حسین قبادیان: بازار آشفته مواد پروتئینی در کشور چند ماهی است که روی خوشی به خود نمی‌بیند بطوریکه براساس عملکرد ناقص دست اندرکاران و متولیان تولید و عرضه مواد پروتئینی به مردم هر از چندگاهی شاهد...

صفحه ۵



چهارشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۰ - ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۴۳ - ۲ فوریه ۲۰۲۲ - سال یست ویکم - شماره ۵۶۴۵ - ۱۲ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

دبیر کمیته علمی کشوری کرونا اعلام کرد

اعمال دو هفته‌ای محدودیت‌های اجتماعی در کشور

صفحه ۲

آمریکا تحریم یک نفتکش مرتبط با ایران را لغو کرد

مذاکرات غیر مستقیم میان آمریکا و ایران در «مرحله آخر»

صفحه ۲

رسیدگی بدون نوبت به پرونده‌های گرانفروشی لوازم خانگی

رئیس سازمان تعزیرات گفت: گزارشی مبنی بر گرانفروشی لوازم خانگی از سازمان حمایت حقوق کنندگان و اتحادیه‌ها برای ما ارسال نشده است و به محض ارسال، بدون نوبت رسیدگی می‌کنیم.
به گزارش سازمان تعزیرات حکومتی، احمد اصائلو رئیس سازمان تعزیرات درباره گلایه‌های روز گذشته رهبر انقلاب از گرانی لوازم خانگی داخلی گفت: بر اساس اصلاحات قانون نظام صنفی (در سال ۹۲) متأسفانه تعزیرات در حوزه نظارت، بازرسی و کشف تخلف در بازار هیچ اختیاری ندارد و فقط مبنای ورود ما در بازار بر اساس ماده ۱۹ آئین نامه سازمان تعزیرات حکومتی در قالب شعب سپار است که در محل تخلف با حضور بازرسان صنعت، معدن و تجارت و اتاق اصناف حاضر می‌شویم و فقط هم می‌توانیم در محدوده جرایم کمتر از ۴۹۴ هزار تومان رای صادر کنیم.

صفحه ۲

گزارش اولیه درباره تخطی نخست وزیر بریتانیا منتشر شد بحث درباره جانشین جانسون در لندن

صفحه ۱۱

سر مقاله

نهاد و کالت: تعامل یا تقابل؟!

دکتر حسن خلیل خلیلی»

دو نهاد موازی متولی امر وکالت در یک کشورند! نظیر فضای سیاسی که دو جناح در حال تقابل با یکدیگرند و از اصل ماجرا یعنی سوءاستفاده گران اقتصادی غافل مانده‌اند، دو نهاد موازی نیز آتندر درگیر هم شده‌اند که از حقوق عامه که کارکرد اصلیشان است، غافل مانده‌اند!

در ایین مقال، به دنبال اثبات یکی و نفی دیگری نیستیم، اما به کارگیری طبقه متوسط برای مهار طبقه متوسط، سیاستی است که در اینجا نیز در حال جاری شدن است! نتیجه زد و خورد و تقابل دو نهاد موازی، هرچه که باشد به نفع نهاد وکالت و جامعه نیست، اما ریشه این تقابل از کیجاست؟

تفسیر نادرست و پیاده‌سازی غلط ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه، عامل اصلی شکل گیری دو نهاد موازی و تقابل آنهاست. ماده ۱۸۷ به دنبال ایجاد نهاد وکالت موازی نیست، بلکه در پی تأسیس نهاد دیگری است که با ساماندهی «موسسات حقوقی مستقل» انتفاع می‌افتد. موسساتی که در قامت کلینیک حقوقی، علاوه بر دفاع، پلیس ۱۰۱، دفاتر پیشخوان، دفاتر خدمات قضائی، داوری، میانجیگری و... را در

جامعه در مقابل کارتل‌های اقتصادی، بانکها و... می‌شد، غیر شرعی دانسته شد.

و از سوی دیگر، همانگونه که بیمه خدمات درمانی، دسترسی آسان به خدمات درمانی را برای جامعه فراهم می‌آورد، بیمه وکالت نیز در پی تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضائی بوده که به دلایلی اجرا نشد!اد حفظ حقوق عامه نیز که هدف سوم این ماده بود، کاملاً مسکوت ماند.

با این توضیح مختصر، در می‌یابیم که چرا اجرای ماده ۱۸۷ به بیراهه رفت و ماهیت و درونمایه اصلی این ماده تحریف شد. اجرای درست این ماده، جلوی بسیاری از مفاسد اقتصادی و مدیریتی را که امروز نظام جمهوری اسلامی با آن مواجه است، می‌گرفت. اما افسوس و صد افسوس که برخی به عمد یا به جهل، اهداف این ماده قانونی را خنثی می‌ی‌اژ نموده، ثمره و میوه آن، تقابل دو نهاد موازی در وکالت گردید!با این وصف تمام کنسای که دست‌اندرکار این وضعیت بوده‌اند، باید در پیشگاه ملت ایران پاسخگو باشند.

❖**وکیل پایه یک دادگستری**

جزئیات عیدی و پاداش کارگران ساعتی و پاره وقت

معادل ۹۰ روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند. البته پرداخت عیدی به کارگرانی که کمتر از یک سال در کارگاه‌ها مشغول به کار بوده‌اند نیز الزامی بوده و مبلغ عیدی پرداختی به آنان باید به ماخذ شصت روز مزد و به نسبت ایام کارکرد و روزهایی که در آن محل مشغول کار بودند محاسبه و پرداخت شود.
با وجود آنکه مصوبه مجلس، میزان پرداخت عیدی کارگران را مشخص کرده و دو ماه پایه حقوق را به عنوان حداقل و سه ماه پایه حقوق را به عنوان حداکثر میزان عیدی دربرافتی اعلام کرده اما میزان عیدی کارگران بسته به مدت قرارداد و کارکرد آنها متفاوت است. در واقع کارگران بسته به سنوات و تعداد روزهایی که کار کرده‌اند مستحق دریافت عیدی هستند و عیدی و پاداش کامل به کارگرانی تعلق می‌گیرد که یکسال در محل کار یا آخرین کارگاه مشغول کار بوده و بیمه پردازی آنها به طور کامل صورت گرفته باشد.
قانون در مورد عیدی و پاداش کارگران ساعتی، پاره وقت و

افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد

از مهم ترین موضوعات بحث افزایش مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی است. وی تصریح کرد: در سال ۱۴۰۰ به استناد مصوبات مجلس و قانون برنامه ششم مقرر شد حداقل‌ها در خصوص افزایش حقوق این گروه اجرایی شود که به دلایل مختلف انجام نشده است. وی به نگرانی در خصوص نگرفتن منابع کافی در بودجه ۱۴۰۱ اشاره کرد و افزود: تعهدات افزایش میزان حقوق متناسب سازی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی با شاغلان در سال ۱۴۰۱ منابع در نظر گرفته نشده است. وی گفت:

تجمع نیروهای روسیه در مرز اوکراین و حمله احتمالی به این کشور جامعه جهانی را سخت نگران کرده است.
چرا ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، دست به چنین اقدامی زده است و چه هدفی را دنبال می‌کند؟
انجلا سنتت، استاد حکومت و سیاست خارجی در دانشگاه جورج تاون، ریشه بحران کنونی را عزم پوتین برای تغییر نظم موجود اروپا به نفع روسیه، و حتی فراتر از آن تغییر نظم بین‌الملل، می‌داند. سنتت بحران موجود را در قالب نظری «دکترین پوتین» تحلیل می‌کند که ابعاد آن از صرف بحران در روابط روسیه و اوکراین و عضویت احتمالی کی‌یف در ناتو فراتر می‌رود. این مقاله که برگردان آن پیش روی شماست، در شماره ژانویه سال ۲۰۲۲ نشریه فارین افیرز منتشر شده است.

بحران کنونی میان روسیه و اوکراین برآیند روندی است که از سی سال پیش آغاز شده است. این بحران از موضوع اوکراین و عضویت احتمالی آن در ناتو فراتر می‌رود و مربوط به آینده نظامی گرجستان که خواسته‌اند از مدار روسیه خارج است که پس از سقوط اتحاد شوروی در اروپا ایجاد شد. در طی دهه نود میلادی، آمریکا و متحدان آن یک ساختار امنیتی در منطقه اروپا- آتلانتیک ایجاد کردند که روسیه در آن نه تعهدی داشت و نه سهمی. اما از زمانی که ولادیمیر پوتین به قدرت رسید، روسیه این نظم را به چالش کشیده است. پوتین به طور منظم گلايه کرده است که نظم جهانی نگرانی‌های امنیتی روسیه را نادیده می‌گیرد. وی همچنین از غرب خواسته است در دوران پسا شوروی، حق مسکو را در قلمرو منافع خاص آن کشور به رسمیت بشناسد. پوتین به خاک آن دسته از کشورهای همسایه، مانند گرجستان که خواسته‌اند از مدار روسیه خارج شوند لشکرکشی کرده است تا نگذارد این کشورها به طور کامل راه دیگری در پیش گیرند.

اکنون پوتین این رهیافت را یک مرحله جلوتر برده است. وی در مقایسه با الحاق کریمه و مدخله در دونباس در سال ۲۰۱۴، تهدید می‌کند که در تدارک یک حمله فراگیرتر به اوکراین است. چنین حمله‌ای نظم کنونی را تحلیل خواهد برد و به طور بالقوه برتری روسیه را در آنچه که امروز دارد جایگاه «حق» آن کشور در قاره اروپا و مسائل جهانی است، دیکته خواهد کرد. پوتین زمان را برای اقدام مناسب می‌داند. از نظر وی، آمریکا ضعیف و دچار تفرقه است و کمتر می‌تواند سیاست خارجی منسجمی را دنبال کند. ده‌ها سال حضور در راس قدرت روسیه، پوتین را درباره سوال قدرتمندی آمریکا نگران‌تر کرده است.

پوتین از زمان آغاز زمامداری تاکنون پنجمین رئیس‌جمهوری آمریکا را پیش‌رو دارد و به آمریکا عنوان طرفی می‌نگرد که غیرقابل اعتماد است. دولت جدید آلمان به لحاظ سیاسی هنوز فاقد اعتماد به نفس است، اروپا به طور کلی بر چالش‌های داخلی متمرکز است و انعطاف‌ناپذیری بازار انرژی اهرم‌های بیشتری برای اعمال فشار در اختیار روسیه قرار می‌دهد. کرملین معتقد است که

نگاه

ترجمه مقاله‌ای از فارین افیرز

دکترین پوتین

ترجمه:حشمت‌الله رضوی

می‌تواند روی حمایت چین حساب کند؛ کشوری که در سال ۲۰۱۴ و زمانی که غرب کوشید روسیه را منزوی کند، از این کشور حمایت کرد. پوتین هنوز هم چنین ممکن است تصمیم بگیرد که به اوکراین حمله نکند. اما خواه حمله کند یا نه، رفتار رئیس‌جمهوری روسیه متأثر از مجموعه اصول سیاست خارجی در هم تنیده‌ای است که نشان می‌دهد روسیه در سال‌های آینده نظم موجود را مختل خواهد کرد. نام این رهیافت را بگذارید: «دکترین پوتین».
جزء اصلی دکترین پوتین این است که غرب باید با روسیه به نوعی رفتار کند که گویی روسیه همان اتحاد شوروی است؛ یعنی قدرتی که باید به آن احترام گذارده شود و دیگران از آن ترسند. چنین قدرتی همچنین در ارتباط با همسایگانش از حقوق ویژه‌ای برخوردار است و در هر موضوع بین‌المللی جدی دیدگاه آن باید مورد توجه قرار گیرد. این دکترین بر این اعتقاد است که تنها چند کشور باید از چنین اقتداری برخوردار باشند. این چند کشور همچنین از حاکمیت مطلق برخوردارند و دیگر کشورها باید در برابر خواست آنان سرخرم کنند.
دفع‌از رژیم‌های اقتدارگرای موجود و تحلیل بردن دموکراسی‌ها، جزء دیگر این دکترین است. این دکترین با هدف فراگیری که پوتین دنبال می‌کند، گره خورده و آن عبارت است از: عقبگرد در پیامدهای سقوط شوروی، شکاف در اتحاد دو سوی اتلانتیک و مذاکره دوباره پیرامون توافقات جغرافیایی که به جنگ سرد پایان داد.

یاد گذشته

به گفته پوتین، روسیه کاملاً حق دارد در مورد همه تصمیمات عمده بین‌المللی یکی از طرف‌های مذاکره باشد و غرب باید بپذیرد که روسیه جزئی از هیات مدیره اداره جهان است. در دهه نود روسیه بسیار تضعیف و مجبور شد به برنامه‌هایی که توسط آمریکا و هم‌پیمانان اروپاییش تعیین می‌شد، تن دهد؛ دورانی که پوتین آن را تحقیر دهه نود می‌داند. اما اکنون پوتین به میزان زیادی در هدف اعاده جایگاه روسیه نایل شده است. اگرچه مسکو پس از الحاق کریمه از گروه هشت کنار گذاشته شد، برخورداری از حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل، و نقش آن به عنوان یک ابرقدرت در زمینه انرژی، سلاح‌های هسته‌ای و جغرافیایی تأییدی است بر این که بقیه جهان باید دیدگاه‌های این کشور را مورد توجه قرار دهد. روسیه پس از جنگ سال ۲۰۰۸ با گرجستان اما اکنون موفقیت‌آمیز ارتش خود را بازسازی کرد و اکنون قدرت نظامی منطقه‌ای برجسته‌ای است که قادر است در مقیاس جهانی قدرت‌نمایی کند. توانایی مسکو برای تهدید همسایگانش این کشور را قادر می‌سازد، همچنانکه طی چند هفته گذشته به صراحت مشخص شد، غرب را وادار کند با این کشور پای میز مذاکره بنشیند.

تا آنجا که به پوتین مربوط است، اگر روسیه بر این باور باشد که امنیت این کشور در معرض تهدید است، استفاده از زور اقدام کاملاً متناسبی است: منافع روسیه به همان اندازه منافع غرب از مشروعیت برخوردار است و پوتین اظهار می‌دارد

که آمریکا و اروپا این منافع را نادیده گرفته‌اند. آمریکا و اروپا عمدتاً برداشت کرملین از این ناراضیاتی را رد کرده‌اند؛ ناراضیاتی که عمدتاً حول محور فروپاشی شوروی و بویژه جدایی اوکراین از روسیه می‌چرخد. زمانی که پوتین سقوط شوروی را «مصیبت ژئوپولیتیک بزرگ قرن بیست» توصیف کرد ناراضیاتی خود را از این واقعیت که بیست و پنج میلیون روس تبار از خاک روسیه جدا شدند، ابراز داشت. وی بویژه این واقعیت را مورد انتقاد قرار داد که دوازده میلیون روس تبار خود را تبعه کشوری یافتند که اکنون اوکراین است. پوتین در مطلب تحلیلی که تابستان سال گذشته با عنوان «درباره وحدت تاریخی روس‌ها و اوکراینی‌ها»، در قالب پنج هزار واژه منتشر کرد نوشت که در سال ۱۹۹۱ «مردم به یک باره خود را خارج از روسیه یافتند و این‌بار از سرزمین مادری تاریخی خود جدا شده بودند.» این مطلب اخیراً میان نیروهای روسی توزیع شده است.

این خوایش از بخت روسیه به غرب با مشغله خاص پوتین گره خورده است. پوتین بر این تصور است که ناتو تنها به عضویت یا کمک به کشورهای دوران پس از فروپاشی شوروی قانع نیست، بلکه ممکن است خود روسیه را نیز تهدید کند. کرملین اصرار دارد که چنین مشغله‌ای ریشه در واقعیت دارد. جدای از نگرانی‌های جاری، روسیه بارها از سوی غرب مورد تهاجم قرار گرفته است. روسیه در دوران جنگ داخلی در سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲ مورد حمله نیروهای متحد ضد بلشویک قرار گرفت و در ایین حمله نیروهایی از آمریکا نیز مشارکت داشتند. آلمان نیز دو بار به این کشور حمله کرد که منجر به جان باختن بیست و شش میلیون نفر از اتباع اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم شد. پوتین این رویدادهای تاریخی را به نگرانی کنونی روسیه در مورد نزدیک شدن ناتو به مرزهای روسیه و به‌دنبال آن درخواست‌های مسکو برای تضمین‌های امنیتی پیوند زده است.

با وجود این، روسیه امروز یک ابرقدرت هسته‌ای است با نمایش موشک‌های جدید و مافوق صوت. هیچ کشوری بویژه همسایگان کوچک‌تر و ضعیف‌تر روسیه قصد حمله به روسیه را ندارند. به علاوه، همسایگان روسیه در غرب این کشور روایت متفاوتی دارند و بر آسیب‌پذیری خود در برابر صدها سال حمله از سوی روسیه تأکید می‌کنند. آمریکا نیز هیچگاه به روسیه حمله نخواهد کرد هرچند پوتین این کشور را متهم کرده است که درصدد است «بخش خوشمزهای از یکک را برای خود جدا کند.» با این وجود، فهمی که روسیه به لحاظ تاریخی از آسیب‌پذیری خود دارد، در میان مردم این کشور نیز طنین انداز است. رسانه‌های تحت کنترل حکومت آکنده است از این ادعاها که اوکراین می‌تواند سکوی تجاوز ناتو به روسیه باشد. علاوه در متنی که پوتین سال گذشته منتشر کرد نوشت که اوکراین به «سکوی پرش علیه روسیه» تبدیل شده است.

ادامه در صفحه ۳